

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترس از الله تعالى

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: ترس از الله تعالى

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
حقیقت ترس از الله تعالی.....	۵
علامت‌هایی که در اثر ترس از الله تعالی آشکار می‌گردد.....	۱۲
نتیجه‌های ترس از الله تعالی.....	۲۲
خاتمه.....	۲۷

مقدمه

شکر و ستایش برای الله تعالی است و صلوات و سلام بر رسول الله و برآل و اصحابش و هر کسی که با او دوستی کند. اما بعد:

ترس از الله جل و علا علامتی از علامت‌های بندگان صالح او می‌باشد و منزلتی است که پیامبران و رسولان و ملائک مقرب و صحابه و تابعین آن را طی کرده‌اند، آن دلیلی بر شناخت الله تعالی و شناخت منزلت وی به آن اندازه‌ی که باید شناخته شود می‌باشد و دلیلی بر ایمان صادقانه و عبادت با اخلاص است، الله تعالی درباره‌ی مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ * فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ * إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾ [الطور: ۲۵-۲۸] (و روی به یکدیگر می‌کنند در حالی که از یکدیگر سوال می‌نمایند * می‌گویند: ما قبل از این در بین اهلمان ترسان بودیم * در

نتیجه الله بر ما منت نهاد و ما را از عذاب آتش حفظ فرمود *
ما در قبل او را می خواندیم، همانا او نیکوکار [و] دائماً رحمت
کننده است). الله سبحانه و تعالی بیان می فرماید که ترس و
خشیه^۱ آنها از الله تعالی در دنیا، سببی برای نجات آنها از
عذاب آتش جهنم در روز قیامت می شود.

برادر گرامی ام! آیا زمان آن نرسیده است که قلبت
خشوع پیدا کند و از چشمانت اشک جاری شود و گوشه‌هایت
بشنونند، زیرا عذاب الله تعالی شدید است و بر گرفتن او بر
گرفتنی مقتدرانه می باشد و هول و هراس روز قیامت بسیار
زیاد است، الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ
زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا
أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا
هُم بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ [الحج: ۱، ۲] (ای

^۱ - خشیه نوعی ترس از ابهت و عظمت و بزرگی می باشد. (مترجم)

انسانها، از پروردگارتان بترسید که زلزله‌ی قیامت امری بزرگ است * روزی که آن را می‌بینید در حالی که هر شیردهی از آنچه شیر می‌دهد، غافل می‌گردد و هر آبستنی، سقط جنین می‌نماید، مردم را مست می‌بینی در حالی که آنها مست نیستند، بلکه عذاب الله شدید می‌باشد).

الله جلا و علا صفات ملائک را این چنین بیان می‌نماید که از او می‌ترسند و می‌فرماید: ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [النحل: ۵۰] (از پروردگارشان که بالای آنها می‌باشد، می‌ترسند و به آنچه امر می‌شوند، عمل می‌کنند). وقتی ملائک که کسانی هستند که از امر الله تعالی نافرمانی نمی‌کنند و به آنچه امر می‌شوند، عمل می‌کنند، از ترس از الله سبحانه تمامی بدنشان به لرزه می‌افتد، پس حال انسانی که نافرمانی می‌کند و لغزش پیدا می‌کند و بر خطاها و بدی‌ها اصرار دارد، چگونه خواهد بود؟ کور می‌شود و نمی‌ترسد و غافل می‌شود و متذکر نمی‌شود!!

رسول الله ﷺ همان شفاعت کننده‌ای است که شفاعت او پذیرفته می‌شود و الله تعالی گناهان قبل و بعدش را آمرزیده است ولی با این وجود از همه‌ی مردم در ترس از الله جل و علا شدیدتر بود. عایشه رضی الله عنها گفته است: هرگز ندیدم که رسول الله ﷺ وسایل خندیدن را فراهم آورد به طوری که بیخ کام او را ببینم، او فقط تبسم داشت و وقتی ابر و بادی را می‌دید [ترس او] از چهره‌اش شناخته می‌شد، گفتم: ای رسول الله! مردم وقتی ابری را می‌بینند به امید باران آمدن خوشحال می‌شوند، ولی تو را این گونه می‌بینم که در چهره‌ات ناراحتی ایجاد می‌شود! فرمود: «یا عائشة! ما یؤمنی أن یکون فیه عذاب؛ قد عذب قوم بالریح، وقد رأى قوم العذاب فقالوا: هذا عارض ممطرنا»^(۱) (ای عایشه! اگر در آن عذابی وجود داشته باشد چیزی به من امنیت نمی‌دهد، گروهی با باد عذاب شدند

ترس از الله تعالى// ۵

و این در حالی بود که آن قوم عذاب را دیدند و گفتند: این ابری است که بر ما باران می بارد).

برادر عزیزم! رسول الله ﷺ برای ما اسوه و الگویی بود. ترس از الله تعالى ما را از انجام گناهان و بدی ها باز می دارد و ما را به شتافتن به سوی نیکی ها و کارهای خیر، دعوت می دهد.

لا يحذر النفس إلا ذو مراقبة

يمسى ويصبح فى الدنيا على وجل

ما أقرب الموت من أهل الدنيا وما

أحجى اليبس بحسن القول والعمل

مقیقت ترس از الله تعالی

بدانید ای کسانی که الله تعالی شما را حفظ کند! ترس از الله تعالی، همان درد کشیدن قلب و سوختن آن و ترسش از الله تعالی به سبب آنچه از عذاب که روز قیامت پیش می‌آید، می‌باشد. فقط کسانی از الله تعالی می‌ترسند که به حقیقت نفس خود دست یافته‌اند و قلب را از نقص‌ها و عیب‌ها دور کرده‌اند و بعد از آن است که پروردگارشان و بزرگی صورت وی و قدرت لایتناهی وی و آنچه که از اطاعت و عبادت و بزرگداشت وی که مستحق آن است، را می‌شناسند.

هرچه بنده، الله تعالی را کاملتر بشناسد، ترس و خشیه‌ی او از وی بیشتر می‌شود، و به همین دلیل بود که کسی که بیشتر از همه نسبت به الله جل و علا خشیه داشت، رسول الله ﷺ بود، زیرا او وی را از هر کسی بیشتر می‌شناخت و عالمترین مردم به منزلت و بزرگی وی بود. عایشه رضی الله عنها آورده است

که رسول الله ﷺ فرمود: «أنا أعرفكم بالله وأشدكم له خشية»^(۱)
(شناخت من از الله بیشتر از همه‌ی شما می‌باشد و در بین شما
دارای خشیه‌ی بیشتری نسبت به او می‌باشم).

برادر گرامی! به یاد بیاور که خشیه‌ی از الله جل و علا
همان میوه‌ی ایمان و یقین می‌باشد و هر چه ایمان صافتر و
یقین بالاتر رود، ترس از الله تعالی بیشتر می‌شود و خشیه‌ی
نسبت به وی شدیدتر می‌شود و اثر آن بر قلب به جریان می-
افتد و در نتیجه در اعضای بدن، صفات، اعمال، طاعت،
فروتنی، گریه و خشوع آشکار می‌گردد.

رازی که وجود دارد این است که در اثر ترس از الله جل
و علا، تصدیق وعده‌ها [ی پاداش او] و وعید [های عذاب او]
انجام می‌پذیرد و تاریکی قبرها به یاد آورده می‌شود و
همچنین روز قیامت و هول و هراس آن و جهنم و آه کشیدن

در آن یاد آوری می‌شود و این سبب می‌شود تا مؤمن بین امید به بهشت و ترس از آتش جهنم زندگی کند و خودش را کوتاهی کننده در اعطای حق الله می‌بیند، زیرا اطاعت خود را در برابر عظمت الله تعالى کوچک می‌شمارد و عبادت باعث می‌شود تا ترس و خشیه بر او مستولی گردد و او را فقط در حالت فروتنی و ترسی می‌بینید که به رحمت الله تعالى امید دارد و از عذابش می‌ترسد.

و یحک یا نفس احرصی	علی اریئاد المخلص
وطاوعی وأخلصی	واستمعی النصح وع
واعتبری بمن مضی	من القرون وانقضی
واخشی فجاءة القضا	وحاذری أن تخدعی
وانتهجی سبل الهدی	واذکری وشک الردی
وأن مثواک غدا	فی قعر لحد بلقع

چگونه است که بنده از پروردگارش خشیه ندارد در حالی که الله جل و علا به بندگان امر فرموده است تا از وی بترسند و از وی هراسان باشند و از غضب و مجازاتش تقوا پیشه کنند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ﴾ [البقرة: ۴۰] (و فقط از من بترسید!). همچنین می فرماید: ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ [آل عمران: ۲۸] (و الله شما را از خودش برحذر می دارد [و می ترساند]). همچنین می فرماید: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ [الرحمن: ۴۶] (و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ خواهد بود). همچنین گاهی الله جل و علا بعضی از هولهای روز قیامت را با ترساندن و تذکر دادن، همراه می سازد، الله تعالی می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ * وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا

فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ [هود: ۱۰۲-۱۰۶] (و این چنین است برگرفتن سرزمینی که اهل آن ستمکار می‌باشند، همانا بر گرفتن [و عذاب] وی، بسیار دردناک [و] سخت است * همانا در این نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد، آن روزی است که انسانها در آن جمع می‌شوند و آن روز است که [عذاب و شدت آن] مشاهده می‌شود * و آن را مگر به اندازه‌ی معینی عقب نمی‌اندازیم * روزی که وقتی می‌آید، شخصی سخن نمی‌گوید، مگر به اذن او، بعضی از آنها بدبختند و بعضی خوشبخت می‌باشند * اما کسانی که بدبختند در آتش جهنم خواهند بود و برای آنها ناله و فریاد زدن خواهد بود).

بدان ای بنده‌ی الله! حقیقت ترس و خشیه این است که از آنچه موجب خشم الله تعالی و غضبش می‌شود، خودداری صورت گیرد و به امرهای وی عمل شود و طاعتی را که امر فرموده است، انجام پذیرد و در کسب نیکی‌ها کوشش شود و

برای امور خیر شتاب صورت گیرد و به سوی الله تعالی با پناه گرفتن از وی حرکت انجام گیرد و بر او توکل شود و از او کمک گرفته شود و با دعا و ذکر به سوی وی زاری صورت پذیرد.

یکی از پیشینیان گفته است: کسی که بترسد، شب زنده-داری می‌کند.

دیگری گفته است: ترسان کسی نیست که گریه کند، بلکه ترسان فقط کسی است که در حد توانایی‌اش [بدی‌ها را] ترک کند.

میوه‌ی خشیه‌ی از الله تعالی، ترک گناهان و شهوات است و واجب می‌کند تا در خطر مجازات نگریسته شود و نفس زیر نظر گرفته شود و مورد حساب و کتاب قرار گیرد و برای آن در راه الله تعالی مجاهدت صورت پذیرد. صحابه رضی الله عنهم با تقواترین مردم نسبت به الله تعالی بودند و ترس آنها از الله تعالی از تمامی بندگان بیشتر بوده است. این عمر بن

خطاب ﷺ که سوره‌ی ﴿الطور﴾ را قرائت نمود تا به این آیه رسید ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾ [الطور: ۷] (همانا عذاب پروردگارت واقع شدنی است). به گریه افتاد و گریه‌ی او شدت یافت تا آن که مریض شد و مورد عیادت واقع شد. ما در مقابل ترس پیشینیان در کجای راه هستیم؟ لا حول و لا قوه الا بالله.



علامتهایی که در اثر ترس از الله تعالی آشکار می‌گردد

برادر گرامی‌ام! اگر خشیه‌ی از الله تعالی به اندازه‌ی حق خشیه‌ی از وی باشد، گریزی وجود ندارد که علامتهایی در نتیجه‌ی آن آشکار می‌گردد و این علامت‌ها در احوال، اعضای بدن و اعمال نمایان می‌شود و آن شخص را فروتن، زاری کننده، خاشع و گریه کننده می‌یابی. هرگاه دربارهی عذاب فکر می‌کند، از مرزهای الهی پا فراتر نمی‌گذارد، به سوی عمل به طاعات، سرعت می‌گیرد و از گناهان و بدی‌ها فرار می‌کند.

مهمترین علامتهای آشکار شده این موارد می باشد:

۱- ترس و تقوا از الله تعالی در آشکار و نهان: در اصل، تقوا به این معناست که بین خودمان و بین عذاب الله تعالی و خشمگینی اش، فاصله ایجاد کنیم و این صورت نمی گیرد، مگر با درک بزرگی وی و ترس از وی و عذابش و اجتناب کردن از امور حرامش و آنچه نهی فرموده است و همچنین عمل کردن به اوامر او و کوشش در عبادت ها و نزدیک شدن ها به وی. الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲] (ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله به اندازه ی حق تقوایش، تقوا پیشه کنید! و نمیرید مگر آن که مسلمان [بمیرید]).

حسن بصری گفته است: متقیان (پرهیزگاران) کسانی هستند که از آنچه الله [تعالی] حرام نموده است تقوا پیشه می کنند و آنچه را که بر آنها واجب فرموده است را ادا می کنند.

عمر بن عبد العزیز گفته است: تقوا به روزه گرفتن در روز و نماز شب خواندن و درآمیختن آنها نمی‌باشد؛ بلکه تقوا ترک کردن آن چیزی است که الله [تعالی] حرام فرموده است و ادا کردن کارهایی است که الله [تعالی] واجب فرموده است و کسی که بیشتر از آن از خیر به وی داده شود، آن همان خیری به سوی خیری دیگر می‌باشد.

طارق بن حبيب گفته است: تقوا آن است که از الله [تعالی] با نوری از طرف الله تعالی، اطاعت گردد و به ثواب بردن از وی امید وجود داشته باشد و با نوری از طرف الله [تعالی] نافرمانی از الله [تعالی] ترک گردد و آن ترک کردن از ترس الله [متعال] صورت پذیرد.

تقوا اصل و ریشه‌ی خشیه و ترس می‌باشد و آن توشه‌ی کسانی است که از الله تعالی می‌ترسند و به پاداشش امید دارند:

خل الذنوب کبیرها و صغیرها فهو التقی
واصنع کماش فوق أر ض الشوک یحذر ما یری
لا تحقرن صغیرة إن الجبال من الحصی

پیشینیان رضوان الله علیهم با تقواترین مردم نسبت به الله تعالی بودند و یکدیگر را به آن سفارش می کردند، عمر بن عبد العزیز به مردی نامه نوشت و گفت: تو را به تقوای از الله عزوجل سفارش می کنم، امری که غیر از آن پذیرفته نمی شود و به کسی جز اهل آن رحمت عطا نمی شود و ثواب داده نمی شود، مگر توسط آن؛ کسانی که به آن پند می دهند زیاد هستند و کسانی که به آن عمل می کنند، کم می باشند، الله [تعالی] ما و شما را از پرهیزگاران [و متقیان] قرار دهد.

فیما مفاز المتقی و ربح عبد قد وقی
سوء الحساب الموبق وهول یوم الفزع
ویا خسار من بغی و من تعدی و طغی

و شب نیران الوغی لمطعمم ومطمع

۲- بی‌اعتنایی به دنیا و روی کردن به آخرت: آنچه در دنیا است فنا شدنی است و آن جز خواب و خیال چیز دیگری نمی‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (و زندگی دنیا چیزی نیست، مگر کالای فریبنده).

خشیه‌ی از الله تعالی از قوی‌ترین سبب‌هایی است که باعث دور شدن شخص از حرص به دنیا می‌باشد، زیرا ترس از الله تعالی باعث می‌شود تا در قلب هول و هراس ناشی از مجازات و عذاب واقع شود، در نتیجه‌ی آن شخص به کسی تبدیل می‌شود که نسبت به دنیا بی‌اعتنا است و به آخرت روی می‌کند. سفیان ثوری گفته است: بی‌اعتنایی نسبت به دنیا آرزو را کوتاه می‌کند و به خوردن غذای خشن و پوشیدن لباس کهنه نمی‌باشد، گفته است: از دعای آنها این بود: یا الله! ما را نسبت به دنیا بی‌اعتنا کن و آن را برای ما وسیع گردان و آن را از ما دور نکن تا کوشش ما برای آن باشد که به سوی آن گام

برداریم.

أبو مسلم خولانی گفته است: زهد داشتن [و بی‌اعتنایی]
نسبت به دنیا با حرام کردن حلال و حیف و میل کردن مال
نمی‌باشد، بلکه زهد فقط آن است که آنچه در دست الله
[تعالی] است برای تو مطمئن‌تر از آن چیزی باشد که در دست
توست، همچنین حال تو، در هنگام مصیبت و هنگامی که
مصیبتی وجود ندارد، یکی باشد و مدح نمودن و نکوهش
کردن اگر از روی حق باشند، برایت یکسان باشد.

۳- حساب و کتاب نفس:

بدان ای برادر گرامی‌ام! حساب و کتاب کردن نفس از
علامت‌های ترس از الله تعالی می‌باشد، الله متعال می‌فرماید:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸] (ای کسانی
که ایمان آورده‌اید! از الله بترسید و تقوا پیشه کنید و شخص
بنگرد که برای فردا [ی قیامت] چه فرستاده است و از الله تقوا

پیشه کنید که الله از آنچه انجام می دهید باخبر است).
کسی که نفسش را مورد حساب و کتاب قرار دهد،
خطای خود را درک می کند و کسی که خطای خود را درک
کند، خودش را وادار به توبه و استغفار و انجام زیاد کارهای
خیر مجبور می گرداند و در نتیجه ی توفیق به خیر بزرگی می -
یابد و از عذاب الله سبحانه نجات می یابد. ابن مسعود رضی الله عنه
آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تزول قدما عبد يوم
القيامة حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيما أفناه وعن شبابه
فيما أبلاه، وماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وماذا عمل فيما
علم»^(۱) (بنده ی در جای حساب و کتاب خود در روز قیامت
خواهد بود تا آن که از پنج چیز سوال می شود: از عمرش که
در چه آن را فنا نمود و از جوانی اش که آن را در چه گذراند
و [از] مالش که از کجا آن را کسب نمود و در چه آن را خرج

(۱) رواه الترمذی (۲۴۱۶) وحسنه الألبانی رحمه الله فی صحیح
الجامع ۷۲۹۹.

نمود و به ازای علم[ی که به وی داده شد] چه عملی را انجام داد).

حسن بصری گفته است: مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی، مگر آن که نفسش را مورد حساب و کتاب قرار می‌دهد: چرا می‌خواهی انجام دهی؟ چرا می‌خواهی بخوری؟ چرا می‌خواهی بنوشی؟ و گناهکار این گونه است که با پاهایش راه می‌رود، در حالی که نفسش را مورد حساب و کتاب قرار نمی‌دهد. همچنین گفته است: بنده بر خیر خواهد بود تا زمانی که خود را نصیحت کند و همت خودش را مورد حساب و کتاب قرار دهد.

۴- گریه‌ی کردن از خشیه‌ی الله تعالى:

برادر گرامی‌ام! اگر قلب همراه دوست داشتن الله جل و علا به ترس و خشیه‌ی از وی آمیخته شود، باعث مدارا نمودن، رقت قلب، خشوع و تواضع در آن می‌شود و از آیه‌ی رحمت یا عذابی عبور نمی‌کند، مگر آن که اثر بزرگی می‌گیرد

و دارنده‌ی آن را نمی‌بینید، مگر آن که دائماً از روی شوق و غم گریه می‌کند و به آنچه نزد الله تعالی وجود دارد، رغبت دارد و از مجازاتش می‌ترسد، الله تعالی درباره‌ی مؤمنان می-فرماید: ﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۹] (بر روی صورت می‌افتند [و] گریه می‌کنند و خشوع آنها زیاد می‌شود). همچنین می‌فرماید: ﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ * وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ﴾ [النجم: ۵۹، ۶۰] (آیا از این سخن تعجب نمی‌کنید * و می‌خندید و گریه نمی‌کنید؟).

انس علیه السلام گفته است: «رسول الله صلی الله علیه و آله خطبه‌ای را گفت که مثل آن را هرگز نشنیده‌ام و فرمود: «لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلاً، ولبكيتم كثيراً» (اگر آنچه را که من می‌دانستم، شما [نیز] می‌دانستید، کمتر می‌خندیدید و بیشتر گریه می-کردید» گفت: [در آن هنگام] اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله چهره-هایشان در هم رفت و صدای ناشی از گریه‌ی آنان در بینی-

هایشان آشکار شد»^(۱).

رسول الله در بین مردم بیشترین گریه را ا روی خشیه‌ی
از الله تعالی دارا بود.

عبد الله بن الخیر رضی الله عنه گفته است: «نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفتم
و او نماز می‌خواند در حالی که سینه‌اش به مانند پارچه‌ای
بود که از گریه خیس شده بود»^(۲). محمد بن واسع یکسال هر
شب گریه می‌کرد و سستی در وی راه نیافت.

عمر بن عبد العزیز وقتی مرگ یاد می‌شد، به مانند پرنده
می‌لرزید و چنان گریه می‌کرد که اشکهایش بر ریشش جاری
می‌شد. شبی گریه کرد و اهل خانه در نتیجه‌ی آن به گریه
افتادند، وقتی عبرت گرفتن بر آنان تجلی یافت، به فاطمه
گفت: یاد کردم که قوم در پیشگاه الله تعالی حاضر می‌شوند،
گروهی در بهشت و گروهی در جهنم خواهند بود، سپس فریاد

(۱) رواه البخاری ۲۱۰/۸ و مسلم (۲۳۵۹).

(۲) رواه أبو داود (۹۰۴) و إسناده صحیح.

برآورد و بیهوش شد^(۱).

یا رب جئتک نادماً أبکی	ما قدمته یدای لا أتباکا
یا رب عدت إلی رحابک	مستسلماً مستمسکاً بعراکا
مالی وما للأغنیاء وأنت	رب الغنی ولا یحد غناکا
مالی وما للأقویاء وأنت	ربی رب الناس ما أقواکا

نتیجه‌های ترس از الله تعالی

بدان برادر مسلمان! خشیه‌ی از الله تعالی نجات از خشم و مجازاتش را در پی دارد، رسول الله ﷺ فرموده است: «لا یلج النار رجل بکی من خشية الله، حتی یعود اللبن فی الضرع، ولا یجتمع غبار فی سبیل الله، ودخان جهنم»^(۲) (مردی که از روز خشیه‌ی از الله گریه کند، داخل آتش جهنم نمی‌شود، مگر آن

(۱) مختصر منهاج القاصدين ص ۳۴۰.

(۲) رواه الترمذی (۱۶۳۳) وقال: حدیث حسن صحیح.

که شیر به شیردان برگردد و غباری که در راه [جهاد] فی سبیل الله [بر کسی بنشیند] با آتش جهنم یکجا جمع نمی‌شوند). در نتیجه ترس از الله سبحانه میوه‌ی با ارزشی دارد که همان نجات از جهنم است؛ الله جل و علا دو ترس را برای بنده‌ای یکجا جمع نمی‌کند، اگر در دنیا از وی بترسد، روز قیامت او را ایمن می‌گرداند، همان گونه که دو امن را یکجا برای بنده‌ای جمع نمی‌کند، کسی که در دنیا خود را از او ایمن حس کند، روز قیامت او را می‌ترساند.

کسی که به دنبال راه نجات باشد، سوار بر مرکب ترس و خشیه می‌شود و در آشکار و نهان اطاعت از الله سبحانه با او همراه می‌گردد و در ظاهر و باطن استقامت در وی ایجاد می‌گردد، و به نحوی زندگی می‌کند که همراه ترسش به ثواب الله سبحانه امید دارد و گمان خود را به او نیکو می‌گرداند و بر او توکل نموده و به سوی وی بازگشت کرده و توبه می‌نماید.

از ثمرات خشیه‌ی از الله تعالی و ترس از وی این است که

صاحب آن در روزی که سایه‌ی جز سایه‌ی الله تعالی وجود ندارد، در زیر آن سایه قرار می‌گیرد، ابوهیریه رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله: إمام عادل، وشاب نشأ في عبادة الله تعالى، ورجل قلبه معلق في المساجد، ورجلان تحابا في الله، اجتمعا عليه وتفرقا عليه، ورجل دعتة امرأة ذات منصب وجمال، فقال: إني أخاف الله، ورجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه، ورجل ذكر الله خالياً ففاضت عيناه»^(۱) (هفت [گروه] هستند که الله آنان را در سایه‌اش قرار می‌دهد، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی وی وجود ندارد: امام عادل، جوانی که در عبادت الله تعالی بوده است و مردی که قلب او در مساجد معلق است و دو مرد که برای الله یکدیگر را دوست دارند و برای آن جمع می‌شوند و برای آن [از یکدیگر] جدا می‌شوند و مردی که زنی صاحب مقام و زیبایی او را به سوی

(۱) رواه البخاری (۱۹/۲) و مسلم (۱۰۳۱).

خودش [برای زنا] دعوت کند و او بگوید: من از الله می ترسم [و آن کار را انجام ندهد] و مردی که به شکلی صدقه می دهد که دست چپش از آنچه دست راستش اتفاق می کند، غافل می باشد و مردی که الله را به تنهایی یاد می کند و از چشمانش [اشک] جاری می شود).

برادر گرامی ام! این را بدان که از خشیه ی از الله تعالی خرمی در چهرهات ایجاد می گردد و همچنین شیرینی، ترس و شرف پدید می آید و کسی که دارای آن است را نمی یابید، مگر آن که با شرف و با عفت می باشد و دارای لباس و خوراکی پاک است و از حرامهای شبهه ناک و امور حرام و چیزهای بد، دور می باشد، خود را مشغول خودش به آنچه در آخرت و معاد او مربوط می باشد، می نماید. این امری است که نزد الله تعالی مورد مقبول می باشد و بین مردم دوست داشتنی است و باعث می شود تا از او به نیکویی یاد کنند و منزلت او بالا رود، به تقوا و پرهیزگاری و منزلت وی با زبان اشاره می شود و هر

انسانی به او غبطه می خورد.

به ابوبکر مسکی گفته شد: ما از تو بوی مشک حس می کنیم و این در حالی است که آن بو همیشگی است؟
او گفت: قسم به الله! چند سالی است که از مشک استفاده نکرده ام، ولی دلیل آن این است که زنی مرا فریب داد تا به خانه اش وارد شوم و دربها را پشت سر من بست و مرا به سوی خودش خواند، در امر من مرا به تحیر انداخت و با حيله عرصه را بر من تنگ کرد. به او گفتم: من نیاز به دستشویی رفتن دارم؛ به کنیزش امر نمود تا مرا به مستراح ببرد و او این کار را انجام داد، وقتی داخل مستراح شدم از نجاسات آن بر گرفتم و بر تمام بدنم مالیدم، سپس نزد وی بازگشتم، وقتی مرا دید تعجب کرد، سپس امر نمود تا مرا بیرون بیاندازند و بازگشتم و غسل نمودم، در آن شب در خواب دیدم که گوینده ای به من گفت: کاری را انجام دادی که قبل از تو کسی آن را انجام نداده است، در دنیا و آخرت خوشبو خواهی بود

و این گونه شدم و بوی مشک مرا فراگرفت و تا امروز ادامه یافت^(۱).

فاتمه

برادر گرامی‌ام! بر توست که از شهوات دنیوی و فانی دست برداری و بر توست که نفس را از امنیت پُر کنی و بر توست که وسوسه‌های شیطان را از خودت دور نمایی.

فما هی إلا آیام وسوف تنقضی

ویدرک غب السیر من هو صابر

به سوی الله تعالی با خشیه، زاری و گریه رو کن و خودت را از عذابش با دوری از امور حرام و انجام چیزهایی که به آن امر شده است، حفظ کن! با دو بال ترس و امید، به سوی الله تعالی سیر کن! هر اطاعتی را که انجام می‌دهی باعث

(۱) الجزء من جنس العمل ۱۲۸/۲۰ لسید بن حسین العفانی.

شود تا امیدت به او تقویت شود و هر گناهی را که مرتکب شدی، در نتیجه‌ی آن خشیه‌ی تو زیاد گردد.

مالي رأيتك تطمئن إلى الحياة وترك
وجمعت ما لا ينبغي وبنيت ما لا تسكن
وسلكت فيما أنت في الدنيا به متيقن
أظننت أن حوادث الـأيام لا تتمكن!!

اشکهای کسانی که از ترس گریه می‌کنند را یاد کن!
همان کسانی که نزد الله تعالى بسیار با ارزش هستند و قطره‌ی
آبی نزد او دوست داشتنی‌تر از آن قطره‌ی اشک نمی‌باشد.

أبي أمامة صدی بن عجلان باهلی ؑ آورده است که
پیامبر ﷺ فرمود: «ليس شيء أحب إلى الله تعالى من قطرتين،
وأثرين: قطرة دموع من خشية الله، وقطرة دم تهارق في سبيل الله،
وأما الأثران: فأثر في سبيل الله تعالى، وأثر في فريضة من فرائض

الله تعالی»^(۱) (چیزی دوست داشتنی تر نزد الله تعالی از دو قطره و دو اثر نمی باشد: اشک ریختن از خشیهی الله و قطرهی خونی که در راه الله می ریزد و اما دو اثر: اثری که در راه [جهاد در راه] الله تعالی به وجود می آید و اثری که در نتیجهی [انجام] واجبی از واجبات الله تعالی ایجاد می گردد).

(۱) رواه الترمذی: (۱۶۶۹) وقال: حدیث حسن.